

کلیسای ایرانیان مسیحی سن دیه گو و ال کاهون

کتاب مقدس، دانیال نبی

درس شماره ۱۵

فصل ۲: ۳۱ - ۴۰

آیه حفظی برای ۲ ماه می سال ۲۰۲۴

کتاب مقدس، مزمور ۴: ۳

۳ اما بدانید که خداوند مرد صالح را برای خود انتخاب کرده است، و چون او را بخوانم خداوند خواهد شنید.

آیه حفظی برای ۹ ماه می سال ۲۰۲۴

انجیل مقدس، اعمال رسولان ۱۷: ۲۴، ۲۶

۲۴ خدایی که جهان و آنچه در آن است آفرید... ۲۶ و هر امت انسان را از یک خون ساخت تا بر تمامی روی زمین مسکن گیرند و زمانهای معین و حدود مسکنهای ایشان را مقرر فرمود.

قرائت کلام: لطفاً کتابهای مقدستان را به بخش دانیال نبی باز بفرمایید، و فصل ۲: ۳۱ - ۴۰ را

بخوانید.

۳۱ تو ای پادشاه می‌دیدى و اینک تمثال عظیمی بود و این تمثال بزرگ که درخشندگی آن بی‌نهایت

و منظر آن هولناک بود پیش روی تو برپا شد.

۳۲ سر این تمثال از طلای خالص و سینه و بازوهایش از نقره و شکم و رانهایش از برنج بود.

۳۳ و ساقهایش از آهن و پایهایش قدری از آهن و قدری از گِل بود.

۳۴ و مشاهده می‌نمودى تا سنگى بدون دستها جدا شده، پایهای آهنین و گلین آن تمثال را زد و

آنها را خرد ساخت.

۳۵ آنگاه آهن و گِل و برنج و نقره و طلا با هم خرد شد و مثل کاهِ خرمن تابستانی گردیده، باد آنها

را چنان برد که جایی به جهت آنها یافت نشد. و آن‌سنگ که تمثال را زده بود کوه عظیمی گردید و تمامی

جهان را پر ساخت.

۳۶ خواب همین است و تعبیرش را برای پادشاه بیان خواهیم نمود.

۳۷ ای پادشاه، تو پادشاه پادشاهان هستی زیرا خدای آسمانها سلطنت و اقتدار و قوت و حشمت به تو داده است.

۳۸ و در هر جایی که بنی آدم سکونت دارند، حیوانات صحرا و مرغان هوا را به دست تو تسلیم نموده و تو را بر جمیع آنها مسلط گردانیده است. آن سرِ طلا تو هستی.

۳۹ و بعد از تو سلطنتی دیگر پستتر از تو خواهد برخاست و سلطنت سومی دیگر از برنج که بر تمامی جهان سلطنت خواهد نمود.

۴۰ و سلطنت چهارم مثل آهن قوی خواهد بود زیرا آهن همه چیز را خرد و نرم می‌سازد. پس چنانکه آهن همه چیز را نرم می‌کند، همچنان آن نیز خرد و نرم خواهد ساخت.

دعا: دعای داشته باشیم برای درک درست کلام خدا و اطاعت درست بر اساس آن درک درست.

مقدمه: تاریخ بشر، تاریخ ظهور و سقوط دولتها، کشورها، ملتها، و امپراطوری های مختلف است. تمام ملتهای جهان رو به زوال هستند. هر آنچه که با قدرت و حکمت انسان بنیاد نهاد گذاشته شده است، در نهایت همان زوالی را تجربه خواهد کرد که خود انسان پس از سقوطش در گناه تجربه کرده است. انسان در حال صعود نیست در حال سقوط است. تاریخ یک زنجیره از شکستها های بشر را آشکار می کند. حکومتها می آیند، به اوج قدرت خود می رسند، بعد رو به زوال می روند و صحنه تاریخ جهان محو می شوند و دیگر حکومتها بر روی خاکستر آنها بنا می شوند. و همچنین سیر مخرب دوباره شروع می شود.

جهان را می شود به یک صحنه بزرگ تانتر تشبیه کرد که خیلی از قسمتهای آن پایان پذیرفته اند ولی پرده آخر هنوز بر صحنه نیامده است، پرده هنوز پائین است. و هنرپیشگان پشت پرده مشغول آماده شدن برای پرده آخر تاریخ بشر هستند. و آن پرده آخر بازگشت خداوند عیسی مسیح است در جلال و قوت که در ایام آخر انجام خواهد گرفت. کتاب دانیال نبی ما را به پشت پرده می برد، و قبل از آنکه بالا برده شود، و به ما بینشی از پرده آخر تاریخ بشر می دهد.

کتاب دانیال نبی ۲: ۳۱-۴۵، تاریخ دنیا را به ما عرضه می کند در حالتی که غیر یهودیان بازیگران اصلی تاریخ بشر هستند. مسیح در لوقا ۲۱: ۲۴ می فرماید: **اورشلیم پایمال امتها خواهد شد تا زمانهای**

امت‌ها (یعنی غیر یهودیان) **به انجام رسد**. زمانهای امتهای یا غیر یهودیان در کتاب مقدس با به تبعید رفتن قوم اسرائیل به بابل شروع شدند و با بازگشت دوباره خداوند عیسی مسیح به پایان خواهند رسید. همین الان ما در ایام امتهای داریم زندگی می کنیم. در برنامه خدا، اسرائیل قرار بود که کانالی باشد تا شناخت خدای راستین به جهان برساند. ولی اسرائیل در انجام این ماموریت کوتاهی کرد و به آن جلال گذشته خودش باز نخواهد گشت تا زمان بازگشت دوباره مسیح.

تا اینجا که در کتاب دانیال نبی مطالعه کرده ایم، اسرائیل به تبعید به بابل برده شده است، دانیال و دوستانش هم در بابل اسیر هستند ولی بخاطر قابلیت‌های که خدا به دانیال داده است در دربار نبوکد نصر امپراطور بابل خدمت می کند و در واقع مسئول امور یهودیان است. و دانیال در آن مقام حساس و مهمی که دارد نبوتی، پیشگویی در مورد تسلط غیر یهودیان بر جهان را از طریق خوابی که نبوکد نصر دیده بود دریافت می کند. و این هم برای ما غیر یهودیانی که به مسیح ایمان آورده ایم مایه تسلی و امید است و هم برای یهودیان بخصوص در زمان خود دانیال، تا بخاطر داشته باشند که اگر چه به اسارت رفته اند، ولی خداوند عهد خودش را با آنان فراموش نکرده است و در مسیح برای آنان هنوز امید وجود دارد.

در زمانی که دانیال این نبوت را دریافت می کند، اورشلیم ویران شده بود، معبد خدا، معبد اورشلیم به خرابه تبدیل شده بود، ابزار و آلاتش که برای پرستش خدا بکار می رفتند به بابل به غارت برده شده بودند و در بتخانه‌ها بابل گذاشته شده بودند. جلال خدا معبد اورشلیم را ترک کرده بود همانطور که حزقیال ۱۱: ۲۲-۲۳ می فرماید. و اسرائیلیان در بابل در اسارت نزد نهرهای بابل گریان نشسته اند و سرودی برای پرستش خداوند در دل‌هایشان نیست همانطور که مزمو ۱۳۷: ۱-۴ می فرماید. در چنین شرایط یهودیان نیاز داشتند که بدانند که آیا خداوند آنها را فراموش کرده و عهد خودش با آنان را شکسته است یا نه! و دانیال فصل دوم قویا پاسخ می دهد که نه! بهیچ وجه! خدای ما عهد نگه دار است. و همانطور که یهودیان نیاز به این تسلی داشتند، برای ما ایمانداران مسیحی غیر یهودی نیز پیغام دانیال فصل دوم، پیغام امید است که علی رغم جفاها و تاریکی‌های گناه، علی رغم تمامی حالات ضد مسیحی این جهان، خداوند ما عیسی مسیح بر می گردد و تمامی این نظام شریری را که بر جهان حاکم است را بر خواهد انداخت.

در جلسات گذشته خواندیدم که فصل دوم کتاب دانیال ۳۰ تا آیه اول را می شود به دو قسمت تقسیم کرد. از آیه ۱ تا آخر ۱۳ نبوکدنصر خوابی می بیند در مورد آینده حکومتش و آینده جهان، که جزئیاتش

را فراموش می کند. می شود اسم این قسمت را گذاشت خواب فراموش شده. و سپس در آیات ۱۴ الی ۳۰ دانیال فراموش نشدنی را می بینیم.

نبوکد نصر حکیمان دربارش را فرامی خواند ولی برای مطمئن شدن از صحت تعبیر کارشناسانش چالشی سخت در مقابلشان می گذارد. نبوکد نصر می گوید: هم باید خواب را به من بگوئید و هم تعبیرش را. و گرنه می فهمم که می خواهید به من دروغ بگوئید و همه تان را می کشم.

و دیدیم که حکیمان دربار نبوکد نصر مجبور می شوند که به عجز خود در انجام فرمان نبوکدنصر اعتراف کنند و بگویند که فقط یک موجود ماوراء طبیعی می تواند جزئیات یک خواب فراموش شده کس دیگری را بیان کند و تعبیر درستش را هم بگوئید. و این اعتراف به عجز حکیمان دربار، صحنه را برای آمدن دانیال دقیقاً بر طبق نقشه خدا آماده می سازد.

دانیال اول در آیات ۳۱ الی ۳۵ خوابی را نبوکد نصر دیده بود را دقیقاً به او می گوید. چند نکته را می توانیم از بازگویی دانیال در مورد خوابی که نبوکد نصر دیده بود دست چین کنیم:

۱- دانیال به نبوکد نصر می گوید که تو در خوابت پیکره انسانی را دیدی که از فلزات مختلف بود و می درخشید. پیکره ای که تو در خواب دیدی بسیار عظیم و بزرگ بود و بشدت می درخشید. این پیکره چنان بزرگ و درخشنده بود که ترسناک می بود. پادشاه از دیدن آن تا به مرگ ترسیده بود. اگرچه نمی توانست جزئیات خوابش را بیاد آورد ولی ترسش را خوب بیاد داشت.

۲- این پیکره از فلزات مختلف ساخته شده بود. و وقتی شما از سر تا به کف پای پیکره را نظاره می کردید می دید که از ارزش فلزات کاسته می شود. سر آن پیکره از طلای خالص و ناب و درخشنده بود ولی وقتی به کف پا و انگشتان پا می رسید از سفال بود، مخلوطی از آهن و گل.

۳- همچنین، همانطور که از سر پیکره به کف پای پیکره می روید، از وزن مخصوص این فلزات کاسته می شود. وزن مخصوص نسبت وزن یک ماده است به حجمش. طلا از نقره سنگین تر است، نقره از برنز، برنز از آهن، و آهن از سفال. کف پاها و انگشتان پاها که از سفال اند، شکننده اند. یعنی جهان درست پیش از بازگشت مسیح، که کنترلش در دست حکومت‌های غیر یهودی است، وضعیت اش بی ثبات و شکننده و رو به انزوال است تا زمان بازگشت مسیح. و این دقیقاً شرایط زمانه ما را توصیف می کند.

۴- ویرانی این پیکره است که در آیات ۳۴-۳۵ می خوانیم که می فرماید:

۳۴ و مشاهده می‌نمودی تا سنگی بدون دستها جدا شده، پایهای آهنین و گلین آن تمثال را زد و آنها را خرد ساخت.

۳۵ آنگاه آهن و گل و برنج و نقره و طلا با هم خرد شد و مثل کاهِ خرمن تابستانی گردیده، باد آنها را چنان برد که جایی به جهت آنها یافت نشد. و آن سنگ که تمثال را زده بود کوه عظیمی گردید و تمامی جهان را پر ساخت.

آن سنگ، آن پیکره را خرد می‌کنید، بزرگ شده تمام جهان را در بر می‌گیرد و آن پیکره خرد شده و مثل گرد و غبار به باد می‌رود. حالا در جلسه آینده به تعبیر و تفسیر این خواب از زبان دانیال و با الهام خدا خواهیم رسید.